

گپ صبا با «حسام قاسمی»، بازیگر فیلم «تراژدی»

تفاوت‌های شخصیت رحیم در فیلمنامه و فیلم

عاطفه محرابی: حسام قاسمی فعالیت در عرصه بازیگری را از سال ۸۸ آغاز کرده و دوره‌های بازیگری تئاتر را نزد مسعود دخواه، حمید پور آذری و سیامک صفری گذرانده است. او در نمایش‌های «ارخش»، «خانهای روی آب» و... به ایفای نقش پرداخته و بازی در فیلم‌های کوتاه بسیاری را نیز تجربه کرده است. وی برای اولین بار با دستگیری در پروژه «نقش نگار» وارد عرصه سینما شد. قاسمی در حال حاضر فیلم «تراژدی» را در حال اکران دارد که در آن برای اولین بار حضور جلوی دوربین سینما را تجربه کرده است.

ورود شما به عرصه بازیگری و حضور در «تراژدی» چگونه شکل گرفت؟

من در پروژه «نقش نگار» با بهرام رادان همکاری کردم. یک روز خانم موهوبی به پشت صحنه آمد تا فیلمنامه «تراژدی» را به دست بهرام رادان برساند. من به فیلمنامه نگاهي انداختم و خیلی از کاراکتر «رحیم» خوشم آمد. به بهرام گفتم من این نقش را دوست

دارم و خیلی دلم می‌خواهد که آن را بازی کنم. من از طریق سعیدهاشمی که در ابتدا تهیه کننده «تراژدی» بودند به خانم موهوبی معرفی شدم. در ابتدا خانم قاضیانی قرار بود نقش زینت را بازی کند. خانم موهوبی به من گفتند که این نقش از پیش با فرزندان خانم هنگامه قاضیانی فیکس شده است و قرار است او به ایفای آن بپردازد. ابتدا بازی در نقش «منصور» به من پیشنهاد داده شد که به آن نقش علاقه‌ای نداشتم و از ایشان عذرخواهی کردم. تا این که حدود ۲۰ تا ۲۵ روز بعد، از طرف کارگردان با من تماس گرفته شد و گفتند که بنا به دلایلی بازیگری که قرار بود در نقش رحیم بازی کند از این پروژه رفته و می‌خواهیم که شما در این نقش بازی کنید. این اتفاق برای من بسیار خوشحال کننده بود، چرا که نقش رحیم را دوست داشتم.

خانم موهوبی دنبال چه ویژگی‌هایی در کاراکتر «رحیم» بود؟ این نکته را باید اشاره کنم که رحیم در فیلمنامه با رحیم در فیلم دو کاراکتر متفاوتند. نقش رحیم در فیلمنامه هم به لحاظ تعداد سکانس‌ها بیشتر بود و هم به لحاظ شخصیتی با رحیم آرامی که ما در فیلم می‌بینیم متفاوت بود. من در ابتدا پس از خواندن فیلمنامه به یک تحلیل شخصیت رسیدم و آن را با خانم موهوبی مطرح



او گفت: «تو با خواندن فیلمنامه دقیقاً به آن چیزی که من برای کاراکتر رحیم در نظر داشتم رسیده‌ای و من دیگر از بابت تو خیالم راحت است و می‌توانم به کارهای دیگرم بپردازم». رحیم پسر جوانی است که در یک خانواده متعلق به طبقه متوسط زندگی می‌کند، او در اثر اتفاقی که برای پدرش می‌افتد به روزگار بدی دچار می‌شود؛ از لحاظ اقتصادی گرفتار وضعیتي لاینحل می‌شود و این موضوع به شدت در روحیه او تأثیر می‌گذارد. انگشت‌های اشاره در فیلمنامه بیشتر به سمت رحیم بود، ولی در فیلم این اتفاق دیگر به آن صورت نیست.

بهترین سکانس‌ها که در فیلم داشتید، کدام سکانس است؟ بهترین سکانس‌ها که بازی کردم، سکانس‌ها بود که در حال حاضر در فیلم وجود ندارد و در مرحله تدوین آن را حذف کرده‌اند؛ با توجه به این که من اولین تجربه بازی در تصویر را در «تراژدی» داشتم، وقتی سال گذشته برای اولین بار فیلم را در جشنواره دیدم خیلی تعجب کردم و از این که بسیاری از سکانس‌ها هم از فیلم بیرون کشیده شده بود، خیلی شوکه شدم، ولی اگر بخوام درباره سکانس‌ها که در فیلم وجود دارد صحبت کنم، سکانس‌ها را که با بهرام رادان در محوطه پاسگاه داشتم، خیلی دوست دارم.

و اما کلام آخر؟ از بازیگران این کار به خصوص مهدی هاشمی، رویا نونهالی و بهرام رادان که با وجود تجربه بسیاری که در این حوزه داشتند، با من همراه بودند و به من کمک کردند تا بتوانم نقشم را به درستی ایفا کنم، بسیار شکر می‌کنم. رویا نونهالی و مهدی هاشمی مثل یک مادر و پدر برای من در این فیلم زحمت کشیدند و همکاری با آن‌ها برای من بسیار ارزشمند بود. از خانم موهوبی برای اعتمادی که به من کرد و نقش «رحیم» را به من سپرد، سپاسگزارم.

ویژگی سکانس پلان بودن فیلم گفت: در این شیوه کار، بازیگر به تمرکز زیادی در کارش نیازمند است و یک روحیه همدلی و هماهنگی را در تیم بازیگری به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر، اگر این همدلی وجود نداشت، فیلم نمی‌توانست موفق باشد. بارها موقعیت‌های مختلف در فیلم تکرار می‌شد و بازیگران باید در یکسری از لحظات خاص راگورد کاریشان را حفظ و در فیلم حضور پیدا می‌کردند. دستپایه به تمرکز بر اساس آن که بازیگر به موقع در آن لحظه وارد صحنه فیلمبرداری شود، کار دشواری بود. اگر در این زمینه اشتباهی رخ می‌داد، به خصوص درباره من که در آخر فیلم، بازی‌ام بیشتر بود، کار شرایط دیگری پیدا می‌کرد. یادم می‌آید روزی در زمان فیلمبرداری محمود کلاری، دوربین جایش اشتباه شد و به جای این که جلوی ما باشد، پشت سرمان قرار گرفت. در صورتی که در تمرینات، همیشه دوربین جلوی ما بود. من و سایر بازیگران این صحنه تلاش کردیم بازی‌مان را ادامه بدهیم، چون صابر اداری به صورت شاهد بود و بازیگران

فیلم را دوبله کردند. «بابایی» درباره ویژگی‌های نقش خانم روان کاو گفت: با کارگردان صحبت کردم که بهترین رنگ و لعابی به شخصیت شیرین بدهیم. روان کاوی باشد که مثل سایر همکارانش آدم دلسوز و پیگیری نیست و فقط به این جهت به کمپ آمده که تحقیقاتی روی بیمارشان انجام دهد. نقشی که به لحاظ سنی در حدود ۱۴ سال از من مسن تر بود و یک خانم دکتر روان کاو چهل ساله محسوب می‌شد. وجه دیگر قضیه حضور بازیگران جوان در سینمای ایران، به خصوصیاتشان بازمی‌گردد. برادران صادقی در فیلم «میهمان داریم» ساخته «محمد مهدی عسگرپور» بر اساس این ویژگی برای حضور در فیلم انتخاب شدند. «مهدی صادقی» درباره حضور در «میهمان داریم» معتقد است: کار با یک کارگردان بزرگ حائز اهمیت و جذاب است و در کنارش حضور نامی مثل پرویز و یقین درونی است.

در همه جای دنیا در فاصله یک دهه، چهره‌های جوان و جدیدی وارد عرصه بازیگری می‌شوند و جای بزرگان قبلی را به تدریج برمی‌کنند و این جبر زمانه است. اگر به چهره جوان و تازه وارد، دستیار هاشمی در کنار سیر لاریس اولویه که بازی در فیلم دونه مار تین من یا ارباب دنیروی تازه نفسی در کنار برت لنگستر باسابقه در فیلم ۱۹۰۰ یا در ایران، خسرو شکیبایی چهره مستعد و جدید سینما در کنار عزت‌الله انتظامی با سابقه در فیلم هامون و قبل از آن، چهره جدید فرامرز قریبیان جوان در کنار پرویز فنی‌زاده با تجربه در فیلم گوزن‌ها یا خیلی از نمونه‌های دیگر دقت کنید، به مسائل مختلف لزوم حضور چهره‌های جدید پی خواهید برد.

اگر در اکران فیلم‌های این چند ماهه اخیر دقت کنید با چهره‌های جدیدی روبه‌رو می‌شوید که اکثرشان جوان هستند و چندتایی مثل بابک کریمی (در فیلم ماهی و گربه) و یالوون هفتون و محمود بهروزیان (در فیلم پرویز) می‌تواند با به سن گذشته هستند. در هر صورت استفاده مکرر از چهره‌های مشابه در فیلم‌های سینمایی در مرحله اول باعث تکرار، کاهش باورپذیری نقش‌ها از جانب مخاطب و از همه مهم‌تر، دور شدن مخاطبان از فیلم‌های سینمایی می‌شود. برخی از این فیلم‌ها هم اصلاً با حضور بازیگران حرفه‌ای و شناخته شده ماهیت کلی آنان زیر سؤال می‌رود. فیلم «پرویز» ساخته مجید برزگر نمونه قابل استنادی برای این موضوع است. به گفته مجید برزگر بعد از نوشته شدن فیلمنامه، بازیگران نام‌آشنای زیادی برای این نقش در ذهن او حک شد که اصلاً نمی‌توانستند با ذهنیت شخصیت پرویز که در فیلمنامه وجود داشت، برابری داشته باشند و برزگر خیلی اتفاقی به توصیه یکی از دوستانش با «لوون هفتون» که مقیم کانادا است و در آن‌جا تئاتر کار می‌کند، آشنا شد. حضور «لوون» که گویا خود پرویز بود، باعث شد نیمی از راه موفقیت فیلم در انتخاب بازیگر اصلیش شکل بگیرد. «لوون» به لحاظ فیزیکی و جثه، زیبایی خاصی ندارد و کاراکتر پرویز در



بررسی اهمیت حضور چهره‌های جدید در سینمای ایران صید چهره‌های دست‌نخورده برای سینما

نگاه

درباره «تابور» وحید و کیلی فر تهران ترمیناتور ندارد



کیارش و فانی

«تابور» اثری خراج از عرف در سینمای ایران به حساب می‌آید. فیلمی که به ندرت نمونه مشابه‌ای به خود دیده است. از چیدمان دنیای درونی شخصیت اصلی آن گرفته تا پیرامون حوالی شهری که زینتگاه او به حساب می‌آید. فیلم با هم راستا شدن در خط روایت و فرم، تعریفی ناآشنا اما تأثیرگذار برای مخاطبانش دارد. اتفاقات و حوادث به نگاه معمول آشنا نیست. همچنین کندو کاوهای شبانه مرد با موتور سیکلت کابین‌دار که از یاری رساندن ماشینی در تونل آغاز می‌شود تا سمپاشی در مجتمعی سوت و کور، مرگ سرایداری و انتقالش به بیمارستان، حضور در خانه‌ای خارج از شهر برای از بین سوسک و سمپاشی محیط و همچنین حضور در خانه مرد کوتاه قد برای سبیل شدن تیرهای تنگ او و کسب درآمد از این راه که در فضایی تخیلی شکل می‌گیرد.

این اثر فارغ از دنیای مالبخوبایی‌اش بسیار به نوع ارائه در درام و متن وفادار است. هیچ یک از اتفاقاتش دآوری را با عدالت پیش نبرد، لباس آلومینیومی مرد که طراحی متفاوتی دارد. در این اثر فیلمساز با استفاده از نماهای لانگ‌شات سعی دارد با حفظ حریم بین اثر و مخاطبانش دآوری را با عدالت پیش نبرد، البته به جز چند نمای نزدیک که تأکید بر تنهایی و دورافتادگی مرد دارد. هدایت بر تدرار این اثر بر عهده بازیگر و فیلمنامه نیست، بلکه هویت آن را زمان به دست دارد که دقیقه شمارش به آرامی همچون ریتم فیلم کند پیش می‌رود که مسبب این کندی اقتضای متوقف شدن گاه و بی‌گاه زمان به شمار می‌رود.

در «تابور» مستاصل بودن شخصیت اصلی فیلم توانسته با کشف و شهود در زمان و جهانی که با او در ارتباط است موفق به حفظ روایت و درام شود. در این بین نیز نباید ذکاوت وحید و کیلی فر را در شناساندن نمونه‌های متفاوت و عاری از هرگونه کپی‌برداری از فیلم‌های هالیوودی را فراموش کرد. شخصیت فیلم او نه نمونه دست چندی از بتمن و ترمیناتور است و نه مرد آهنین، بلکه او تنها مردی است که جهان آخرالزمانی خودش را توصیف می‌کند و اینکه بدنش به امواج الکترومغناطیس واکنش نشان می‌دهد و نه چیز دیگری. از دیگر مختصات این فیلم نیز می‌توان به گذران بخش عمده‌ای از داستان در شب و تنها صحنه روز فیلم در صحنه آخر برای تأکید بر روشن شدن موضوع و نیز پایان بندی مفهومی‌اش اشاره کرد. به جرات می‌شود گفت که «تابور» جزو اولین فیلم‌هایی است که در ژانر علمی تخیلی ساخته شده است. به واقع می‌توان امیدوار بود بعد از شکستن تابوی ساخت فیلم توسط وحید و کیلی فر در این ژانر، شاهد فیلم‌هایی از این دست توسط فیلمسازان دیگر در سینمای ایران بود، البته اگر خواهانش پیدا شود.



محسن تانبنده سرانجام پشت دوربین کارگردانی سینما قرار می‌گیرد. این تصویر، اولین طرح عکسی است که از فیلم «گینس» در فضای مجازی منتشر شده. بر اساس اعلام خبرگزاری‌ها، تانبنده قرار است این فیلم را به جشنواره امسال برساند.

عکس‌نویست
محسن تانبنده سرانجام پشت دوربین کارگردانی سینما قرار می‌گیرد. این تصویر، اولین طرح عکسی است که از فیلم «گینس» در فضای مجازی منتشر شده. بر اساس اعلام خبرگزاری‌ها، تانبنده قرار است این فیلم را به جشنواره امسال برساند.

دیالوگ‌باز
«اینجا بدون من»
فیلم «اینجا بدون من» که خیلی‌ها معتقدند بهترین فیلم بهرام توکلی بوده است، اقتباسی از نمایشنامه «باغ وحش شیشه‌ای» است. در این فیلم نگار جواهریان، صابر ابر، پارسا پیروزفر و فاطمه معتمدآریا نقش آفرینی کرده‌اند. در «اینجا بدون من» بهرام توکلی موفق شده، فیلمنامه را به درستی ایرانی‌زده کند و دیالوگ‌هایی روان و گیرا متناسب با کاراکترها بنویسد. احسان (صابر ابر) عاشق سینماست و تمام وقتش را به فیلم دیدن و سینما رفتن می‌گذراند. او در طول فیلم مونولوگی می‌گوید که برای دوستداران سینما بسیار ملموس و قابل درک خواهد بود.
احسان: کسانی که پشت سر هم به فیلم رو دوبار تماشا میکنند به نظر آدم‌های عجیبی میان... اما این احساسیه که نمیشه به همه توضیحش داد... وقتی هنوز شخصیت‌های فیلم تو ذهنش زدن و دارن نفس می‌کشن، می‌تونی روی پرده به چشم‌هاشون خیره بشی... می‌تونی باهاشون حرف بزنی... می‌تونی سرنوشتشون رو تغییر بدی... این طوری می‌تونی واقعیت رو به شکل خواب و رویا بازسازی کنی... می‌تونی توی صندلی سینما فرو بروی... لحظه‌ای که چراغ‌ها خاموش می‌شه، معجزه اتفاق می‌افته.
شاید سکانس پایانی «اینجا بدون من»، همان واقعیتی باشد که به شکل خواب و رویا برای مخاطبان آن بازسازی می‌شود.

دیدگاه
«شیار ۱۴۳»
از من خیلی انرژی گرفت
مریلا زارعی بازیگر سینما و تلویزیون با حضورش در «شیار ۱۴۳» بار دیگر تجربه متفاوتی را به عرصه تصویر کشیده است. او که برای بازی در فیلم «درباره الی» موفق به کسب جایزه گروهی بهترین بازیگر زن از جشنواره بین‌المللی برلین شده بود، اکنون توانسته اولین جایزه مستقلش را برای بازی در فیلم «شیار ۱۴۳» از جشنواره بین‌المللی آسیا پاسیفیک دریافت کند.
مریلا زارعی درباره کاراکترش در «شیار ۱۴۳» می‌گوید: «برای من، هر فیلمی که کار کردم سختی‌های خاص خود را داشته است. اما این فیلم از من انرژی زیادی گرفت. من با لفت «شیار ۱۴۳» زندگی کردم و قطعاً همه عوامل در حسی که در من بروز کرد و به پرده نشست مؤثر بودند. اما نیرویی بیش از این‌ها بر فیلم احاطه داشت و مانند یک شیر ژانر از نقش حفاظت می‌کرد تا لحظه‌ای غافل نشوم. معتقدم «شیار ۱۴۳» یک فیلم مدرانه است و دیدنش بر همه زنان این سرزمین واجب است.»
مریلا زارعی همچنین برای بازی در «شیار ۱۴۳» برنده سمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن از سی و دومین جشنواره فیلم فجر شده است.



دیدگاه